

مصاحبه با دکتر محسن اسماعیلی*

رابطه همان‌بینی و

عزت و افتخار حسینی

فکر پادشاه صادق

چکیده:

دکتر اسماعیلی در برداشت خود از مفهوم عزت و افتخار حسینی ابتدا به تعریف دو واژه عزت و افتخار و معانی مختلف آن می‌پردازد. ایشان صفت عزت و فخر را مخصوص خداوند متعال و هر که او بخواند می‌دانند و در ادامه به تبیین این مفهوم در شخصیت بزرگوار امام حسین علیه السلام می‌پردازند و زندگی ایشان را الگویی جهت دستیابی به عزت و سرا و افتخار بی پایان می‌دانند. دکتر اسماعیلی در مورد اینکه چگونه می‌توان این مفهوم را در شرایط کنونی کشور عینی ساخت عزت و افتخار را ناشی از جهان‌بینی می‌دانند و وارستگی و آزادگی امام حسین علیه السلام را نیز ناشی از عمق دیدگاه آن حضرت می‌دانند و ما نیز اگر بخواهیم به آن عزت و افتخار برسیم چاره‌ای نداریم جز اینکه فرهنگ حسینی را بر کشور حاکم سازیم. ایشان در جواب به سؤال سوم مقدمات فراوانی را برای ما بر می‌شمرند و محدودیت‌ها را اموری طبیعی و قابل حل تعریف می‌نمایند.

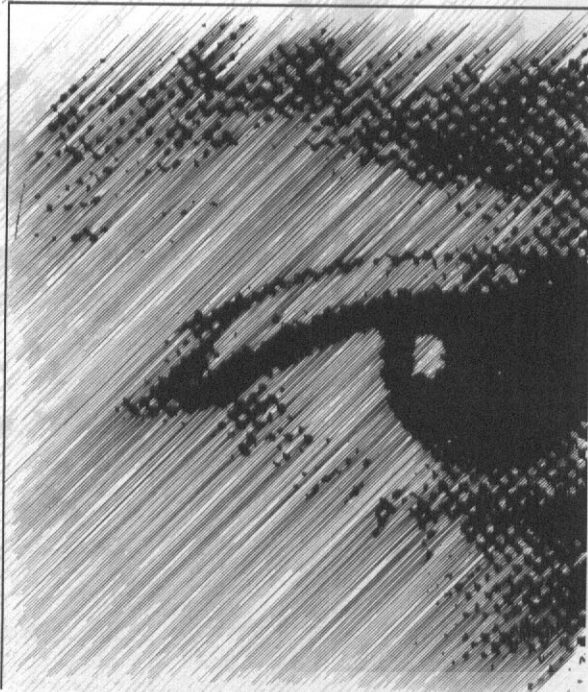


برداشت شما از مفهوم عزت و افتخار حسینی

چیست؟

عزت، در مقابل ذلت، از نظر واژه شناسان به معنای شرافت، قوت، حمیت و کمیابی است. در قرآن و روایات نیز به معنای حالتی است که مانع از غلبه بر فرد می‌شود و

او را شکست ناپذیر می‌کند. به همین اعتبار است که یکی از اسماء حسنیای الهی، «عزیز» است (ان الله لهو العزیز الحکیم)؛ یعنی پروردگاری که هیچ چیز هم‌آورد او نیست یا پیروزی که نمی‌توان او را شکست داد. مصریان با اشاره به همین مفهوم بود که پادشاه خویش را «عزیز» می‌نامیدند.



افتخار نیز از نظر لغت به واژه «فخر» به معنای بالیدن باز می‌گردد. گفته‌اند مقصود از فخر، در مورد انسان بالیدن و مباهات او به چیزهای خارجی است مانند مال و جاه، خصال، مناقب، حسب و نسب و مکارم نیز از جمله اموری است که ممکن است انسان به آنها بالیده و افتخار کند؛ چه در خودش باشد و چه در دیگران.

ناگفته پیداست که «عزت و افتخار» به معنای حقیقی و کامل خود اختصاص به ذات مقدس پروردگار دارد. اوست که دارنده جمیع صفات کمال و جمال است (وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا). شرافت، کرامت، قدرت و شکست ناپذیری تنها از آن اوست (سَبْحَانَ رَبِّكَ الْعَظِيمِ عَمَّا يُصِفُونَ) و کسانی که او بخواد (مَنْ كَانَ يُرِيدَ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا). آنان که عزت را از غیر خدا طلب می‌کنند گمراهانی هستند که سیرابی را از سراب می‌خواهند (وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا، كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا)؛ وقتی که آنان از دفع پشه از خود ناتوانند، چگونه می‌توانند نیرومند و شکست ناپذیر باشند؟ (يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ لَكُمْ مَثَلٌ فَاستَمِعُوا لَهُ، إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ، ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ) و ما قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ، إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ

آنان که عزت را از غیر خدا طلب می‌کنند گمراهانی هستند که سیرابی را از سراب می‌خواهند

غربت و تنهایی، عزتی پایان ناپذیر و فراگیر ارزانی آدمی است.

سال ۱۳۸۱ شمسی فقط از آن باب که «هم فروردین و هم آخر سال، در اسفند، با عاشورای حسینی مصادف است» سال عزت و افتخار حسینی نامیده نشد، بلکه همان طور هم که پیام نوروزی مقام معظم رهبری در سال جاری بیان کرد بر این پایه استوار است که «حسین بن علی علیه السلام مظهر عزت راستین و نمودار کامل افتخار حقیقی است؛ هم در چشم ما مردم اسیر در دستگاه مادی عالم و هم برای رستگاران عالم ملکوت».



زندگی آن بزرگوار فصل‌های مختلف کتابی است که می‌تواند شیوه دستیابی به عزت و سرا و افتخاری بی‌پایان را به انسان‌ها بیاموزد و ضمناً کلید شناخت شخصیت و تحلیل رفتار او به حساب آید. رفتار امام حسین علیه السلام در مقاطع مختلف عمر شریف و صحنه‌های پرفراز و نشیب زندگی، خصوصاً حماسه

عاشورا، سرشار از رمز و رازهای ناگشوده‌ای است که شیفتگان الگوبرداری از حضرتش چاره‌ای جز اندیشه و تحلیل آن ندارند.

«عزت و افتخار حسینی»
روزنه‌ای است به سوی شناخت دقیق حقایق رفتار و گفتار آن حضرت.

برجستگی خاص عزت و افتخار حسینی در آن است که او نشان داد در سخت‌ترین شرایط ممکن نیز باید همچنان به حبل‌الهی چنگ زد و در این صورت، حتی در اوج غربت و تنهایی، عزتی پایان ناپذیر و فراگیر ارزانی آدمی است.

به همین ترتیب، چون همه کمالات و زیبایی‌ها از خداست، فخر و افتخار نیز تنها شایسته اوست و آنان که به چیزی جز او مباهات می‌کنند خیال‌زدگانی هستند که به تصورات موهوم خود می‌بالند نه به واقعیت‌ها و طبیعی است که خداوند آنان را دوست ندارد (إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ).

پس عزت و افتخار اصالتاً از آن خداست، اما بندگان واقعی او هم می‌توانند با انقطاع کامل از غیر خدا و اتصال به مبدأ و منبع عزت حقیقی، عزیز گردند و به آن افتخار کنند. در میان خیل بندگان که به این مقام رسیده‌اند حضرت امام حسین علیه السلام از جایگاه و برجستگی خاصی برخوردار است و باید به عنوان یک الگوی تمام‌عیار مورد توجه دائم قرار بگیرد.

برجستگی خاص عزت و افتخار حسینی در آن است که او نشان داد در سخت‌ترین شرایط ممکن نیز باید همچنان به حبل‌الهی چنگ زد و در این صورت، حتی در اوج

عزت و افتخار حسینی را
باید ناشی از جهان بینی و
نوع تلقی آن حضرت از
جهان دانست.

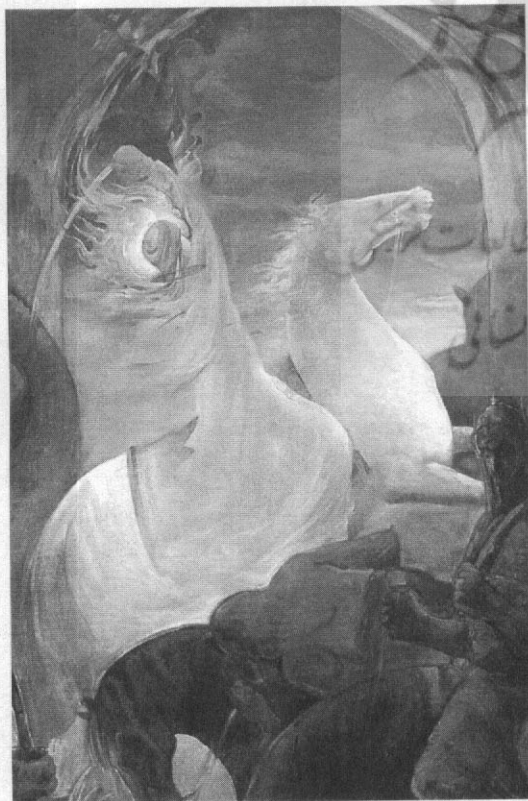
خلقت و ارزش انسان را همین
می داند که در سایه بندگی خدا
«ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد
است».

شیخ صدوق رضوان الله تعالی
علیه از آن بزرگوار نقل می کند
که فرمود:

«ای مردم! پروردگار بزرگ بندگان را نیافرید مگر برای
اینکه او را بشناسند و آنگاه که او را بشناسند پرستش
کنند و با پرستش خدا از بندگی غیر او بی نیاز شوند.»

همین نگاه است که همه هستی، منهای خدا را هیچ و
غیر قابل اعتنا می بیند و می گوید: «همه آنچه خورشید در
شرق و غرب عالم بر آن می تابد، دریاها و خشکی ها،
دشت ها و کوه ها، از نظر آن کس که خدا را می شناسد و
به او دل داده است، تنها مانند یک سایه است. آیا آزاد
مردی هست که آن را به اهلش واگذارد.»

امام حسین علیه السلام مبنای توجیه حسنات اخلاقی
را همین می داند که با عزت و سربلندی انسان همسو
است؛ در حالی که خصلت های ناپسند موجب
فرومایگی و سقوط شأن او است. از جمله اینکه



استاد شهید، مرتضی مطهری (قدس سره الشریف)، در
این زمینه در کتاب حماسه حسینی می گوید:
«روان شناسان، خصوصاً کسانی که بیوگرافی
می نویسند، کوشش می کنند برای روحیه ها یک کلید
شخصیت پیدا کنند. می گویند هر کس یک کلید معین
دارد؛ (که) اگر آن را پیدا کنید سراسر زندگی او را
می توانید توجیه کنید. البته به دست آوردن کلید
شخصیت افراد خیلی مشکل است، خصوصاً
شخصیت های خیلی بزرگ... ادعای اینکه کسی
بگوید من کلید شخصیت کسی مانند علی یا حسین بن
علی را به دست آورده ام انصافاً ادعای گزافی است و من
جرات نمی کنم چنین سخنی بگویم، اما
این قدر می توانم ادعا کنم که در
حدودی که من حسین را شناخته و
تاریخچه زندگی او را خوانده ام و
سخنان او را که متأسفانه کم به دست ما
رسیده است، به دست آورده ام...
می توانم این طور بگویم که از نظر من
کلید شخصیت حسین حماسه است،
شور است، عظمت است، صلابت است، شدت است،
ایستادگی است، حق پرستی است.»

کلید شخصیت حسین
حماسه است، شور است،
عظمت است، صلابت است،
شدت است، ایستادگی است،
حق پرستی است.

چگونه می توان این مفهوم را در شرایط کنونی
کشور عینی ساخت؟

رفتارها و خصلت های ما بی ارتباط با نگرش های ما
نیست. عزت و افتخار حسینی را باید ناشی از جهان
بینی و نوع تلقی آن حضرت از جهان دانست.

همه تصمیم گیری ها و اقدامات ارادی انسانها مبتنی
بر نوع برداشت و نگاهی است که آنان به جهان هستی
دارند. جهان بینی کنش ها و واکنش های انسان را در
عرصه های مختلف زندگی شکل می دهد. ناگفته
پیداست که رفتار آن کس که همه چیز را در زندگی
دنیوی و لذت های مادی خلاصه می بیند با رفتار کسی
که اصولاً حیات را در سرایی دیگر جستجو می کند و
لذت واقعی را در ترک لذت های نفس می داند یکسان
نیست. طبیعی است که چنین کسی در برابر
طمع ورزی ها و جاه طلبی ها سر فرود نمی آورد و خود
را بزرگ تر از آن می داند که برای رسیدن به نان و نام،
انسانیت خود را فدا کند.

وارستگی و آزادگی حسین بن علی علیه السلام ناشی
از عمق چنین دیدگاهی است. آن حضرت اصولاً فلسفه

از هر چه موجب «راستگویی عزت است و عذرخواهی می شود بهره‌یز دروغگویی عجز و ناتوانی» و زیرا مؤمن نه بد می کند و «کسی که انفاق و بخشش کند نه پوزش می طلبد، بزرگوار کرده است و آن کسی که بخل ورزد، بستی نموده است» از آن طرف نیز دراز کردن دست تمنا به سوی دیگران، از آن رو که نوعی خواری می آورد، مورد پسند حضرت نیست و توصیه می کند که «آبرویت را از ذلت در خواست نگهدار» و اصولاً انسان را هشدار می دهد که «از هر چه موجب عذرخواهی می شود بهره‌یز زیرا مؤمن نه بد می کند و نه پوزش می طلبد.» بلندی طبع مومن و عزت نفس او مانع از آن می شود تا کاری کند که سرفرازی را در پی داشته باشد.

مانیز اگر بخواهیم به آن نوع عزت و افتخار برسیم چاره ای نداریم جز اینکه در خود و فرهنگ کشور همان نگاه حسینی علیه السلام را حاکم کنیم؛ به بیان دیگر بازگشت به جهان بینی حسینی تنها راه احیای عزت و افتخار حسینی برای مسلمانان است.

مقدورات و محدودیت های ما در این زمینه چیست؟

هم مقدورات و هم محدودیت ها زیاد است و می توان درباره آنها فراوان سخن گفت اما در یک کلام باید گفت

که با توجه به پیشینه فرهنگی کشور، ریشه دار بودن علائق و گرایش های دینی در مردم، حضور علمای عامل و آشنا به معارف حقیقی دین و حاکمیت ولایت فقیه، ابزارهای رسانه ای و مانند آن، هیچ عذری برای کم کاری پذیرفته نیست. محدودیت برای هر اقدام ارزشمندی وجود دارد اما به جای بهانه کردن آنها باید به مقدورات پرداخت (و مایکلف الله نفسا الا وسعها). جدیت در اعتقادات دینی که البته منافاتی با نواندیشی و پویایی ندارد اولین گام در احیای عزت و

افتخار دیرین ماست. تجددگرایی افراطی، گرفتار آمدن در دام تساهل های بی جای اعتقادی و تسامحات بی دلیل آفت این عزت است. اجتهاد مستمر همیشه لازم و معتبر بوده و هست، اما کوتاه آمدن ذلیلانه از اصول مسلم برای هم رنگ شدن با جماعت جهانی را نباید با آن اشتباه گرفت.

به نظر من «عزم جدی» برای «اعلای کلمة الله» رمز همه افتخارات و عزت امام حسین علیه السلام است و در صورت تمسک به آن، هر محدودیتی ناچیز و غیر قابل اعتناست و در نهایت پیروزی از آن

ماست. البته این راه پرخطر هم هست؛ خطر تهدید یا تطمیع. لذا استقامت و اجتناب از طمع ورزی و سازش با دشمنان برای حفظ زرق و برق دنیا یا به دست آوردن عزت دروغین نیز ضروری است.

حضرت علی علیه السلام در حکمت ۱۰۷ نهج البلاغه

می فرماید: «مضارعه»، «مضارعه» و «طمع ورزی» مانع به نتیجه رسیدن تلاش ها و اهداف الهی است.

از این روست که «عزت» واقعی برای بندگان تنها در این است که در حصن حصین ایمان به خداوند قرار گیرند و به اتکای نیروی تمام ناشدنی او شکست

ناپذیر شوند؛ در این

صورت است که

«افتخار» به بندگی

خدا نیز سزاست.

کوتاه ترین و زیباترین

گفته در این باب نیایش

امیرمؤمنان علی علیه

السلام است که «عزت»

را در عبودیت خود و

«افتخار» را در ربوبیت او

منحصر کرده و عرضه

می دارد: «الهی کفی بی

عزاً آن اکون لک عبداً و

کفی بسی فخراً آن تکون

لی رباً أنت کما أحبُّ

فاجعلنی کما تحبُّ».

«عزت» واقعی برای بندگان تنها در این است که در حصن حصین ایمان به خداوند قرار گیرند و به اتکای نیروی تمام ناشدنی او شکست ناپذیر شوند

بیشتر بخوانید

۱۹

